

## دربچه

## پایان خوش انتخابات

### علی غفاری

● بالاخره ماراتن نفس‌گیر رقابت بر سر تصدی کرسی‌های پنجمین دوره شورای اسلامی شهر کرج پایانی خوش یافت. اصلاح‌طلبان در سایه تحزب و تلاش شهروی مانند کرج با ویژگی‌های ناشی از ایثار و گذشت و البته درخورستایش، با توافق و تفاهم بر ارائه لیست امید، مورد استقبال قاطع قاطبه شهروندان کرج قرار گرفتند.

منتخبانی مصمم با تخصص‌های لازم برای تغییر و تحولاتی فرآگیر در رسیدن به توسعه متوازن در کلان‌شهری مانند کرج با ویژگی‌های منحصربه‌فرد مانند تنوع قومی و فرهنگی و زبانی که چنانچه به کشف و شکوفایی این رنگین‌کمان فرهنگی اندیشیده شود و مجال بروز و ظهور یابد، کرج الگویی برای کلان کشور خواهد شد و کانون توجه قرار خواهد گرفت.

شهروندان تحول‌خواه باید به تأثیر و حاصل رای خود اندیشه کنند و دستاورد بی‌نظیر این گزینش خطیر را سرمایه‌ای سرشار و نقطه عطف و آغازی برای ورود به عرصه‌های سرنوشت‌به حساب آورند.

بشارت باد که این روند ثمربخش معبری است هم‌وار فراری مردم و منتخبان برای ورود به آینده‌ای روشن و عرصه‌های سرنوشت‌ساز ملی و میهنی.

به درستی که این خیزش ملی در عرصه کلان کشور و انتخاب دوباره دکتر حسن روحانی، دستاوردی است عظیم که از مشروطه آغاز شده و قریب به یک قرن تجربه یا خود به همراه دارد. بشارت باد ترک تصب‌های کور و قوم و قبیله‌گرایی و الحاق به عرصه مدنی که نویدی است بر رشد فکری و بلوغ سیاسی ملتی که جریان‌های ناسالم را در عرصه‌های ملی و محلی و بزنگاه‌های تاریخی تشخیص داده و با غلبه بر ترفند و فریب و تحریب و تهمت، بر فرسویه‌های نکوهیده ناصواب و سراب پرآب‌وتاب نراستوا و ناستودگان، برای همیشه خط بطلان کشیدند. بیاییم حافظ و قددردان این دستاورد رهایی‌بخش باشیم و در حفظ و حراست از آن، ناظر بر روند امور، در صحنه بمانیم.

پیای تکرار باد این فرخنده حضور و شور و شعور!

## یادداشت

## سونامی بوسترهای تبلیغات انتخابات

### فرهاد خزانی

● نزدیک به دو هفته از انتخابات ۲۹ اردیبهشت می‌گذرد؛ بااین‌حال هنوز وقتی در خیابان قدم می‌زنم، چهره خسته شهر را از بوسترهای تبلیغاتی نمایندگان شوراها به وضوح می‌بینم. بوسترهایی که تابلوهای شهری را پشت خود پنهان کرده‌اند گویی می‌خواهند به ما برسانند که ما فراتر از قوانین و نظم شهری هستیم و باید نگاهتان را به ما بدوزید نه به هنجارهای شهری. برخی از آنها را که راحمتشان شهرداری پاک‌سازی کرده‌اند، هنوز قسمتی از خود را در پیکر دیوار یادگار گذاشته‌اند و از قرار معلوم فعلا میهمان زیبایی شهر هستند.

به فکر فرو می‌روم. چگونه می‌شود جوانی بی‌سرمایه، بدون شغلی پرطمطراق، جایگاهی اجتماعی یا مایه‌ای برای معروف‌بودن، بتواند در انتخابات شورای شهر اقدام نفر اول شود یا در رشت، جوان تحصیل‌کرده در شغلی شریف ولی محروم، فکر رای‌دهندگان را چنان تسخیر خود کند که بی‌غدغه به مهم‌ترین کانون فکری شهر صعود کند… کجای این کارزار اشتباه است؟

دنیای امروز با حضور شبکه‌های اجتماعی، بلوغ زیادی پیدا کرده است. «نه» گفتن به شعارهای مالی که زمانی برای خود جذابیت بالایی داشت، این رشد فکری را تأیید می‌کند. حضور مردم و رای به فهرست‌های یک جریان فکری، بیانگر این واقعیت است که خطمشی فکری برای رای‌دهندگان اولی است و نیازی به بوسترهای تبلیغاتی نیست. با یک لینک، یک اشتراک ساده یا چند لایک، تمام آنچه باید، انتقال می‌یابد. فقط روسیاهی این زمستان می‌ماند به بوسترهایی که بی‌هیچ فایده‌ای، شهر را آلوده خود کرده‌اند.

اگر مسئولان امر بیان می‌کردند هزینه پاک‌سازی این سونامی چقدر است، مردم متوجه می‌شدند چقدر از هزینه‌ای که بابت عوارض به شهرداری‌ها پرداخت می‌کنند، صرف تک‌تازی کاندیداهایی شده است که به نیت آبادانی شهر یا به عرصه گذاشته‌اند.

گاهی به این فکر می‌کنم که باید تبلیغات شورای شهر و حتی مجلس را نیز جزء حوادث غیرمترقبه در نظر گرفت و چهار سال یک‌بار، پس از این حادثه هولناک، بودجه‌ای برای بازسازی شهر را دولت طلب کرد. ای‌کاش بلوغ رسانه‌ای کاندیداها در دوره‌های بعدی، همپای توسعه فناوری رشد کند.

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام،مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

# خواست محلی یا حقوقی

**میرمهرداد میرسنجری**

ساعت دو بعدازظهر روز سوم خرداد ۱۳۶۱ پس از ۲۴ روز نبرد بی‌امان، خرمشهر پس از ۲۰ ماه (۵۷۸ روز) اشغال، به‌طورکامل از چنگال نظامیان عراق خارج شد و هم‌اکنون ۳۵ سال از این حماسه ملی می‌گذرد.

**پیشینه تاریخی دوهزارو ۱۴۴ساله خرمشهر**

خرمشهر در منتهی‌الیه جنوب غربی کشور ایران در محل تلاقی رود کارون و اروندرود قرار دارد و از جمله شهرهای باستانی ایران‌زمین است که قدیمی‌ترین نامی که از این شهر در تاریخ به یادگار مانده، نام «خاراکس» است.

بر پایه مستندهای تاریخی، «اسبار سیز»، میسان را در سال ۱۲۷ ق. م در جلگه‌ای وسیع که از شمال به جنوب پادشاهی بابل و از جنوب به پادشاهی عیلام متصل بود، تاسیس کرد و خاراکس (خرمشهر) را به‌عنوان مرکز این منطقه انتخاب کرد. خاراکس (خرمشهر)، پس از حمله اسکندر گجستک به ایران ویران شد و به‌طورکلی از میان رفت، بعدها در همان محل، شهری به نام «میان» بنا شد که درحال‌حاضر، نام روستایی است بر ساحل غربی رود کارون در دو کیلومتری انتهای این رود. آنچه مسلم است اینکه شهر «میان»، پس از اسلام تا سده چهارم هجری قمری وجود داشته و مقدسی نیز در کتاب خود از آن یاد کرده است. در دوران معاصر و هم‌زمان با امپراتوری عثمانی، در سال ۱۸۱۰ میلادی (۲۲۵۱ هـ. ق] نام «مُخْمَره» نخستین‌بار برای خرمشهر به کار رفت. رضاشاه در سال ۱۹۲۵ میلادی به حکمرانی شیخ خزعل بر این شهر که با حمایت استعمار انگلیس درصدد جداسازی خوزستان از ایران برآمده بود، خاتمه داد و در همان سال در تصویب‌نامه هیئت وزیران، کاربرد ۱۱۵ساله نام مُخْمَره برای خاراکس باستانی ایران باستان پایان یافت و این شهر، خرمشهر نام گرفت. در سال ۱۳۵۹ «خرمشهر» که شهری استراتژیک بود مورد تجاوز دشمن یعنی قرار گرفت تا اینکه پس از ۳۴ روز مقاومت دلیرانه و جان‌فشانی سربازان دلیر ایرانی، خرمشهر در چهارم آبان ۱۳۵۹ به اشغال نیروهای متجاوز درآمد و ۲۰ ماه اشغال بود. چندی است اخباری در خوزستان منتشر شده که جریان‌هایی در خوزستان، درخواست‌نام‌گذاری عربی برای شهرهای خوزستان را مطرح می‌کنند که این امر،

۱- بی‌تردید در صورت پافشاری گروهی برای تغییر نام هر شهر به یک نام قدیمی محلی، قطعاً گروهی دیگر هم خود را محق بر مطالبه نامی قدیمی‌تر و باستانی‌تر برای آن شهر خواهند دانست که این جزئیست و اختلاف‌افکنی قومی- محلی، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.
۲- درحالی‌که اسناد ویکی‌لیکس فاش کرده که اسرائیل، عربستان، ترکیه و… درصدد برجسته‌کردن مطالبات قوم‌گرایانه و ایران‌ستیز و گسل‌سازی زبانی- قومی بین ملت یکپارچه ایران هستند، آیا پافشاری بر تغییر نام خرمشهر، آبدان، شادگان، سوسنگرد و… به نام‌های محمره، عبادان، فلاحیه، خفاجیه و… سبب تحکیم انسجام ملی می‌شود یا افتراق و گسستگی ضد وحدت ملی را به‌همراه خواهد داشت؟
۳- درحالی‌که اسناد ویکی‌لیکس فاش کرده که اسرئیل، عربستان، ترکیه و… درصدد برجسته‌کردن مطالبات قوم‌گرایانه و ایران‌ستیز و گسل‌سازی زبانی- قومی بین ملت یکپارچه ایران هستند، آیا پافشاری بر تغییر نام خرمشهر، آبدان، شادگان، سوسنگرد و… به نام‌های محمره، عبادان، فلاحیه، خفاجیه و… سبب تحکیم انسجام ملی می‌شود یا افتراق و گسستگی ضد وحدت ملی را به‌همراه خواهد داشت؟
۴- بی‌تردید در صورت پافشاری گروهی برای تغییر نام هر شهر به یک نام قدیمی محلی، قطعاً گروهی دیگر هم خود را محق بر مطالبه نامی قدیمی‌تر و باستانی‌تر برای آن شهر خواهند دانست که این جزئیست و اختلاف‌افکنی قومی- محلی، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.
۵- نباید فراموش کرد جمعیت شهروندان شهرهای خوزستان همه ملت ایرانی هستند که برای حفظ خوزستان، هشت سال تمام جان‌فشانی و بهترین جوانان‌شان را فدا کرده‌اند. خرمشهر عزیز هم به وقت ۱۷۰ هزار نفر جمعیت ساکن، بلکه بیش از ۸۰ میلیون نفر شهروند ایرانی صاحب حق دارد که با ریخته‌شدن خون پاک بهترین فرزندان خود، اجازه ندادند این پاره تن ایران‌زمین در چنگال اشغال دشمن متجاوز ضد ایرانی باقی بماند.

# انقلابیون آمریکا و تغییری که به آن باور داریم

**ترجمه: مجتبی طالبانی**

«دوران اوباما یادآور تمامی آن جنبش‌های مردمی است که نقش بسیار حیاتی در تحقق اهداف سیاسی داشته‌اند».

سنت انقلابی در آمریکا به دوران جنگ‌های داخلی بازمی‌گردد. در این واکاو‌ی از جنبش لغو بردگی و حمایت از حقوق زنان گرفته تا حرکت‌های رادیکال کارگری و سوسیالیستی و کمونیستی و جنبش‌های دفاع از حقوق سیاهان و اشغال وال‌استریت و زندگی سیاهان اهمیت دارد. اگرچه کلمه رادیکال به هر دو وجه چپ و راست قابل اطلاق است، ولی ما در اینجا به بررسی جنبش‌های رادیکال چپ می‌پردازیم. بررسی این مهم در شرایطی که دوره پرزیدنت اوباما رو به پایان می‌رفت و سناتور برنی سندرز جریان جدیدی را شروع کرده بود، برای من جاذبه خاصی داشت. درس را با طرح این موضوع شروع کردم که تحول طلبی و انقلابیگری موضوعی سابقه‌دار و همیشگی در تاریخ ما بوده است. با وجودی که مخالفان، انقلابیون را دست‌نشانده و تحریک‌شده از سوی دشمن و سازمان‌های آن جلوه می‌دهند، واقعیت این است که آنها همیشه از درون فرهنگ ما سر بلند کرده، به زبان مردم سخن گفته و ارزش‌های مهمی را طلب کرده‌اند؛ واقعیتی که به اثبات تحول‌خواهی آنان با وجود این همه دشمنان قسم‌خورده کمک کرده است.

انقلابیگری آمریکایی همیشه درپی ایجاد و تقویت آرمانی بوده است تا به کمک آن دنیایی با کیفیت برتر از نظر قانونی، اجتماعی و جنسی استوار کند. با وجود مواردی از اعمال خشونت، اغلب جنبش‌های آمریکایی روحیه دموکراتیک و مسالمت‌جویانه زندگی آمریکایی را منعکس می‌کردند. همواره جنبش‌های آنها باز و کاملاً شفاف بوده و هیچ‌گاه جنبه سری و مخفی نداشتند، متکی بر عمل سیاسی و آگاهی بدون اجبار و تهدید بوده‌اند. تعجبی ندارد که اغلب آنها ضعف‌ها و کاستی‌های جوامع بزرگ‌تر خود را نیز داشته‌اند، انقلابیون محصول جامعه خود بودند اگرچه برخی از جنبه‌های مشخص جامعه را مردود می‌دانستند.

در کلاس‌ها همواره همدلی را خود با جنبش‌های ذکرشده نشان داده‌ام و البته تأکید نیز کرده‌ام نباید تعجبی داشته باشیم که

## پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
بدهیی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

# ضرورت توجه به امنیت ملی

**فتح‌الله دهقان**

برای امنیت ملی، تعریف‌های گوناگونی آورده‌اند؛ یکی از تعریف‌های موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک آن است و عبات است از: «توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی، علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود». با توجه به آنچه درباره نقش مسائل اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی گفته شد، می‌توان آن را به این شکل تکمیل کرد.

امنیت ملی یعنی: دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی، تأمین وحدت، موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه کام بردارد.

بنابراین طیفی از انواع امنیت وجود دارد که با طیف نیازهای انسان برابری می‌کند، نظیر: امنیت غذایی، بهداشتی- درمانی، آموزشی- تربیتی، جنسی-تفریحی، رفاهی، روانی-روحی، جسمی، اقتصادی، شغلی، زیستگاه طبیعی و سرزمینی، فرهنگی، مذهبی-دینی، اخلاقی، حقوقی، فکری، سیاسی، ارتباطی، حیثیتی-آبرویی و… . رابطه معنی‌داری بین قدرت و منافع ملی و امنیت ملی وجود دارد. به این ترتیب که تأمین منافع و امنیت ملی کشورها، بستگی به قدرت آنها دارد.

مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده قدرت عبارت‌اند از: ایدئولوژی، عوامل اجتماعی- انسانی، سیاسی، جغرافیایی، نظامی، اقتصادی و… .

از بین سطوح امنیت گروهی و جمعی سه سطح یعنی: منطقه‌ای و بین‌المللی در ادبیات روابط بین‌الملل نمود بیشتری دارد. از طرف دیگر امنیت ملی خود به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. در گذشته امنیت نظامی موردتوجه بود که سرچشمه آن نیز خارج از مرزها دیده می‌شد؛ ولی امروزه امنیت ملی علاوه بر بُعد نظامی دارای ابعاد دیگری از قبیل: بُعد اقتصادی، زیست‌محیطی و… است و سرچشمه و منبع تهدید نیز خارج و داخل مرزها دیده می‌شود. این در حالی است که شعارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه، اقدامات غیراصولی و تخصصی آنها، روح و روان مردم ایران را آزرده‌خاطر کرد. با رواج دروغ، تهمت و اعمال غیراخلاقی، به فرهنگ، دین و اخلاق کشور ضربه زدند.

این جریان که دولت را در دست داشت، برخلاف اصل ۱۲۲ قانون اساسی به هیچ‌کس

\_\_\_\_\_

## امید ۲۴ میلیونی ۲۰ساله

**مصطفی زرین‌پور**

تاریخ روزهای پایانی عرصه انتخابات در ایران همواره یادآور مباحث‌های است ازلی و ابدی، مباحثه‌ای که گرچه طرفین آن همواره خود را ملزم به پذیرش و احترام نسبت به نظرات و استدلال‌های یکدیگر می‌دانند، اما اغلب نتیجه به گونه‌های دیگر است. با وجود اینکه مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات در این سال‌ها جزء لاینفک مباحثه‌های انتخاباتی بوده، اما گذشت زمان و این‌حجم از مباحثه، هیچ‌گاه تغییر عمده‌ای پیرامون نظرات و استدلال‌های طرفین، به‌ویژه طرف تحریم‌کننده انتخابات ایجاد نکرده، صدهایی که این دور شنیده شد، از لحاظ محتوا همانی است که در ادوار قبلی به گوش می‌رسید، صدایی بی‌اس‌آلود که سعی بر قضاوت فرم‌دهنده نامزدهای انتخاباتی، تقلیل نقش اجتماع در روند تحولات سیاسی کشور و شانه خالی‌کردن از مسئولیت فردی دارد، صدایی که با ناامیدی می‌کوشد تمام نامزدهای انتخابات را سرتوته‌یک‌برکس یا در بهترین حالت بد و بدتر دانسته و با کهرنگ جلوه‌دادن دستاوردهای اجتماع، همه امور را در دست عده‌ای خاص بداند.

آیا چنین است؟ ما می‌توانیم به همین راحتی قضاوت کرده و از نقش خود و اجتماع عبور کنیم؟! در اکثر کشورهای توسعه‌یافته هم نامزدهای انتخاباتی مطلوب قسمت عده‌ای از جامعه نیستند، اما در این کشورها فرم‌دهنده قضاوت قرار نمی‌گیرد. آنها سعی می‌کنند برنامه‌ها را با یکدیگر سنجیده و از بین برنامه‌ها آن را که بیشتر از همه به نیازهایشان نزدیک‌تر است برگزینند؛ موضوعی که فقدان آن در عرصه انتخابات کشور هم نتوانسته ما را نسبت به مشارکت در این عرصه، تصمیم برای سرنوشت خود و آینده کشور ناامید کند. مسائلی حیاتی و غیرقابل عبور که در این سال‌ها ذره‌ذره بذر امید را در دل ما پرورانده و امید و ایستادگی که همواره در سخت‌ترین شرایط راه پیش پای می‌گذارد، به ما آموخته که خود را با شرایط موجود سازگار کنیم و به جای آنکه برنامه‌های نامزدها را بر نیازهای خود انطباق دهیم، برعکس، تا آنجا که می‌توانیم، نیاز نامزدها را در

## سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۹ • روزنامه شرق

## نگاه

## یک‌گام‌ونیم

### حسین محمدنظامی

● انتخابات ریاست‌جمهوری و شورای شهر و روستای ۱۳۹۶ برگزار شد. حال با مرور کاستی‌ها چگونه می‌توان انتخابات ۱۴۰۰ را شایسته‌تر برگزار کرد؟

یک کاستی انتخابات، پایین‌بودن سطح مناظرات و افول اخلاقی در دیالوگ‌های مابین نامزدها بود. یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران مملو از افترا و فرافکنی بود. مطمئنا ضمیر ناخودآگاه رای‌اولی‌ها متأثر از این بد اخلاقی‌ها خواهد بود. البته در این میان باید از مهندس هاشمی‌طبا به نیکی یاد کرد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که گریبان‌گیر دولت‌هاست، بحران محیط زیست است. در سوالات مناظره‌ها به اندازه کافی به این مهم پرداخته نشد. بحران محیط زیست از همه مسائل پیش‌روی ایران و ایرانیان مهم‌تر است.

اما اگر سری به نتایج انتخابات زده شود، موارد نگران‌کننده‌ای نیز به چشم می‌خورد. حدود ۳۸ درصد رای‌دهندگان، رای به نامزد منتخب ن داده‌اند.

راه همدل‌شدن دولت و ملت، شناسایی صحیح مخالفان است. با برقراری ارتباط با منتقدان، باید به یک فهم، درک و درد مشترک رسید. راه هم‌سوسدن نیروهای مختلف جامعه، انتخاب اهداف و مسیر مشترک است. ۳۸ درصد رای‌دهندگان یک زنگ خطر جدی برای دولت هستند. مطالبات این افراد چیست؟ نگرانی‌هایشان چیست؟ این افراد دقیقاً کیستند و در چه طیف‌هایی قرار دارند؟

در این میان برخی نیازمند حمایت جدی دولت، سمن‌ها و مردم عادی هستند. گروهی هم فقط با شفاف‌سازی، اختلاف‌شان با رئیس‌جمهور منتخب مرتفع خواهد شد. در این زمینه فضای مجازی بسیار مؤثر است. تیم رسانه‌ای دولت باید صریح و شفاف عملکرد خود را برای این گروه بیوسته بیان کند. درنهایت هم به زعم نگارنده، لازمه افقاع مخالفان افقاع، برقراری ارتباط پایدار است.

لازم است تمامی جوانب نظری این گروه شناسایی و در یک دیالوگ طرح و بسط شوند. همه نگرانی‌های این گروه باید مطرح شوند و از طریق پرسش و پاسخ به افقاع و جمع‌بندی رسید. رای‌دادن فی‌نفسه مسئولیت‌زاست. در این میان اما وظیفه افسرادی که به آقای روحانی رای داده‌اند سنگین‌تر و زمان‌برتر است. این افراد باید گروهی را در اطرافیان خود شناسایی کنند. در این مسیر فضای مجازی مؤثر است، اما کافی نیست. بخشی از گروه چهارم، دسترسی به فضای مجازی ندارند. برای این گروه باید سعه صدر داشت و بیش‌نیاز آن افزایش مطالعه است.

باید در مدتی که آنان و نگرانی‌هایشان شناسایی می‌شود، راهکارهای رفع نگرانی نیز مطالعه شود. لازمه تعامل با این افراد، دورماندن از حب و بغض است. میزان اثربخشی این تعامل، به میزان مطالعه و سعه صدر بستگی دارد. این روش تعامل چند سال طول خواهد کشید، ولی نهایتاً یکی از تنش‌های جدی در جامعه ایران از بین خواهد رفت.



## روزنه

## لب به قلاب سپردن یا نسپردن

### علی ربانی‌فر

● بی‌شک پوپولیسم را می‌توان به بدبده‌های چون سیاست‌بالیبودی تشبیه کرد. حال آنکه مخاطب ردیف‌های سالن این فیلم، ذهن گرسنه ملتی است که در کشاکش تماشای آن رویاهای خود را بر سر قلاب نویسندگان آن می‌باند.

حال می‌ماند لب به قلاب‌سپردن یا نسپردن؛ مسئله این است. اینجاست که قدوقامت اندیشه یک ملت شناخته می‌شود. کتون که تندباد ویرانگر پوپولیسم حتی دشت‌های کشوری چون آمریکا را درمی‌نوردد، انتخابات اخیر در ایران خبر از رشد و بلوغ سیاسی و در امتداد آن رشد فرهنگی بی‌نظیر این ملت می‌دهد. می‌توان آن را نتیجه رنج تجربه‌کردن دانست. آری به‌راستی که تاریخ برای عبرت‌گرفتن است. ما از حیلت این قلاب جستم. حال می‌ماند دولت منتخب که فرهادی‌وار، حقیقت‌ها، غم‌ها و کمبودهای نهان و آشکار در دل داستان این جامعه را دریابد. به‌راستی این ملت سزاوار سیاست منطقی است.